



## سرقت چندصد میلیاردی از خانه پیرزن مرده

**آرمین بینا**  
تحقیقات پلیس تهران درباره سرقت چندصد میلیاردی از خانه پیرزن فوت شده با دستگیری مردی که به عنوان خدمتکار به خانه او رفت و آمد داشت، وارد مرحله‌ای تازه شد.

اوایل شهریورماه ساکنان ساختمانی مسکونی در یکی از خیابان‌های شمالی تهران با اداره پلیس تماس گرفتند و اعلام کردند از خانه همسایه‌شان بوی تعفن به مشام می‌رسد و آنها احتمال می‌دهند اتفاقی در آن خانه رخ داده باشد.

**پیرزن ثروتمند**  
با اعلام این خبر، تیمی از مأموران پلیس راهی محل و در آنجا متوجه شدند از خانه پیرزن پولدار بوی بدی به مشام می‌رسد. یکی از همسایه‌ها گفت: «گوهر، زن سالخورده و پولداری است که چند سالی می‌شود در این آپارتمان تنها زندگی می‌کند. معمولاً هر چند روز یکبار او را داخل ساختمان می‌بینیم و گاهی هم از بازار برایش خرید می‌کنیم، اما الان حدود یک هفته‌ای است که خبری از او نیست. ما گمان می‌کردیم گوهر مسافرت رفته است تا اینکه امروز متوجه بوی بدی از داخل ساختمان شدیم. وقتی جست‌وجو کردیم و در بورا گرفتیم، فهمیدیم بوی بد از خانه همسایه‌مان بیرون می‌آید، به همین دلیل هم در خانه‌اش را زدیم، اما کسی در باز نکرد. از طرفی هر هر لحظه بوی بد بیشتر می‌شد و الان احتمال می‌دهیم برای او اتفاق بدی رخ داده باشد.»

**سرقت پس از مرگ**  
بدین ترتیب مأموران به دستور قاضی دادسرا اقل در خانه پیرزن پولدار را تخریب کردند و وارد خانه شدند که در یکی از اتاق‌ها جسد گوهر را دیدند. بررسی‌ها حکایت از آن داشت حدود یک هفته‌ای از مرگش گذشته و جسد او متعفن شده است. از سوی دیگر مأموران پلیس در بررسی‌های محل حادثه با به هم ریختگی وسایل خانه روبه‌رو شدند که حکایت از آن داشت اموال زن فوت شده سرقت شده است.

مأموران در بررسی خانه گوهر هیچ طلا، جواهر و پول و وسایل قیمتی برای ثبت در پرونده‌اش پیدا نکردند، اما در تحقیقات از همسایه‌ها مشخص شد گوهر زن میلیاردری بوده و علاوه بر داشتن طلا و جواهرات زیاد در خانه‌اش، املاک و اموال دیگری هم داشته، به همین دلیل این فرضیه برای مأموران پلیس قوت گرفت که به احتمال زیاد اموال او پس از فوت سرقت شده است.

**خندمتکار**  
بدین ترتیب پرونده مرگ مشکوک زن پولدار و فرضیه سرقت از خانه او به دستور قاضی کبیر نظری قهرودی، بازپرس شعبه هشتم دادسرای ویژه سرقت برای بررسی در اختیار تیمی از کارآگاهان پلیس آگاهی قرار گرفت.

مأموران پلیس در تحقیقات میدانی دریافتند مدتی قبل مرد جوانی به نام کیوان به عنوان خدمتکار به خانه زن پولدار رفت و آمد داشته و شد کیوان چند روز در هفته به خانه گوهر می‌آمده، اما پس از حادثه ناگهان ناپدید شده است. با به دست آمدن این اطلاعات، مأموران کیوان را تحت تعقیب قرار دادند و موفق شدند چند روز قبل او را شناسایی و بازداشت کنند.

**سرقت چندصد میلیاردی**  
متهم پس از انتقال به اداره پلیس ابتدا جرم خود را انکار کرد، اما وقتی با دلایل و مدارک روبه‌رو شد به سرقت چندصد میلیاردی از زن فوت شده اعتراف کرد.

وی در ادعای گفت: «مدتی قبل برای انتقال مبلغی از حسابم به حساب یکی از دوستانم به بانک رفته بودم و در آنجا با گوهر آشنا شدم. گوهر آن روز برای برداشت حسابش به بانک آمده بود و از من خواست برایش فیش برداشت پر کنم. همانجا متوجه شدم او زن پولدار و تنهایی است. ما با هم آشنا شدیم و من هم شماره تلفن هم‌راهم را به او دادم و خواستم اگر بیرون کاری داشت به من خبر دهد تا برایش انجام دهم. او به من اعتماد کرد و چند باری هم خواست که از بیرون برایش خرید کنم و به خانه‌اش برسم. به‌رهای رفت و آمد من به خانه‌اش شروع شد، به‌طوری که او تمامی کارهایش را به من می‌سپرد و در مقابل هم مبلغی به عنوان دستمزد می‌داد. ما بیشتر تلفنی با هم ارتباط داشتیم تا اینکه چند روزی از او خبری نشد، نگران شدم و تصمیم گرفتم به خانه‌اش بروم. من خبر داشتم او زن ثروتمندی است و مقدار زیادی طلا و جواهر در خانه‌اش نگاهدارد. من می‌کنده، به همین دلیل سوسه سرقت اموالش به جاتم افتاد بود و آن شب هم تصمیم گرفتم به خانه‌اش بروم و اموالش را سرقت کنم، اما خبر نداشتم او فوت کرده است. آن شب وقتی با کلید یدک در باز کردم و وارد خانه شدم، دیدم گوهر فوت کرده است. از این‌رو تمامی طلا و جواهرات او را که بیش از ۵۰ میلیارد تومان ارزش داشت، برداشتم و داخل کیسه‌ای ریختم. من علاوه بر ظروف عتیقه و لوازم گرذقیمت، تمامی اسناد و مدارک مربوط به چند خانه ویلایی، املاک، باغ و ساختمان‌هایی را که او در چند شهر داشت، سرقت کردم.»

**خیال راحت**

وی ادامه داد: «پس از این تعدادی از اسناد و مدارک را با کمک یک دفتر ثبت اسناد به نام خودم زدم و می‌خواستم املاک و ویلاها را بفروشم که همسر صیغایی من و برادرش متوجه شدند و از من باخ‌خواهی کردند. چاره‌ای نداشتم و مقداری از طلاها را به آنها دادم. خیالم راحت بود و فکر نمی‌کردم گرفتار شوم، چون گوهر زن تنهایی بود و فکر می‌کردم پس از فوتش کسی متوجه سرقت اموالش نمی‌شود، اما تیزهوشی مأموران پلیس در بررسی صحنه حادثه دست مرا رو کرد و گرفتار شدم.

با اعتراف متهم، مأموران همسر صیغایی و برادرش را بازداشت کردند، اما آنها در بازجویی‌ها ادعا کردند کیوان دروغ می‌گوید و آنها از او اخذ و باخ‌خواهی نگردانند.

متهمان در ادامه برای تحقیقات بیشتر در اختیار مأموران پلیس قرار گرفتند. بررسی‌ها در درباره مرگ مشکوک زن ثروتمند ادامه دارد.

# عضو باند زنبورهای سرخ از قصاص فاصله گرفت



را کم می‌کند و به این روش می‌خواستیم شکست عشقی‌ام را فراموش کنم، اما نمی‌دانستم زندگی‌ام را تباه می‌کنم. پس از اینکه معتاد شدم، وارد باند خلافکاران شدم و بعد هم به زندان افتادم.

**چه خلافتی مرتکب شدی؟**  
من با گروه سازقان مسلح به نام زنبورهای سرخ آشنا و وارد باند آنها شدم. ما با اسلحه وارد خانه‌های شمال تهران می‌شدیم و به زور طلا و جواهر و پول سرقت می‌کردیم. پول خوبی در می‌آوردیم و سرقت‌هایمان را ادامه می‌دادیم تا اینکه سال ۸۰ باند ما لو رفت و همه اعضای باند بازداشت شد. در دادگاه هر کدام از ما به ۱۵ سال حبس و رد مال محکوم شدیم.

**چرا از زندان عبرت نگرفتی؟**

من ۱۵ سال زندان بودم و در زندان هم با افراد خلافکار زیادی آشنا شدم و انواع جرم یاد گرفتم. عبرتی برای من نداشت و فقط وقتی آزاد شدم همه چیز و زندگی‌ما هم عوض شده بود. پس از آزادی در مغازه رنگ‌فروشی مشغول به کار شدم، اما مشکلات خانواده و گرفتاری‌هایی که پیش آمد، باعث شد دوباره به مواد پناه ببرم و زندگی‌ام را دوباره تیره و تار کردم.

**چه مشکلاتی داشتی؟**

مادرم در دوران نوجوانی‌اش با اینکه دو پسر داشت، از شوهر اولش جدا شده بود و با پدر من ازدواج کرد و حاصل از دواجش هم من و دو برادرم بودیم. وقتی از زندان آزاد شدم، فهمیدم پدر و مادرم از هم جدا شده‌اند و مادرم با مشکلات زیادی دست پنجه نرم می‌کند. باید دستش را می‌گرفتم، اما دوباره در دام اعتیاد گرفتار شدم و زندگی‌ام را نابود کردم.

**درباره روز حادثه توضیح بده؟**

آن روز شیشه مصرف کرده بودم و حالت عادی نداشتم. برادرم در اتاق خواب بود، من و مادرم داخل پذیرایی بودیم. مادرم مرا اشتباهی به اسم برادرم صدا زد و همین موضوع باعث درگیری ما شد. به مادرم اعتراض کردم چرا اسم مرا اشتباهی صدا زد و او گفت متوجه نشده‌است، اما من توهم شیشه داشتم و عصبانی شدم. چرخ خیاطی را برداشتم و می‌خواستم به کمد بکوبیم، مادرم جلو آمد و می‌خواست مانع من شود که چرخ خیاطی به سرش کوبیده شد. من قصد قتل مادرم را نداشتم و وقتی دیدم او خونین روی زمین افتاد به شدت پشیمان شدم و تصمیم گرفتم به زندگی‌ام پایان دهم، به همین دلیل خودم را از بالکن به پایین پرت کردم، اما به کما رفتم و پزشکان هم از مرگم برخوردار شدند.

**چه شد برادرانت تو را بخشیدند؟**

آنها می‌دانستند من مادرم را دوست داشتم و در توهم شیشه مادرم را به قتل رساندم و به همین دلیل هم مرا بخشیدند. البته فکر نمی‌کردم برادران ناتنی‌ام مرا به این زودی ببخشند. یکی از برادرانم خارج از کشور زندگی می‌کند و به سفارت رفته و رضایت‌نامه‌اش را فرستاده بود. خدا را شکر مرا بخشیدند چون ۱۵ سال زندان قبلی مرا فرسو کرده بود و دیگر توان زندان را نداشتم.

**حرف آخر؟**

هر بلایی به سر خودم و خانواده‌ام آورد، به خاطر اعتیاد بود و ای کاش معتاد نمی‌شدم.

تمام وجودم را می‌گیرد و متوجه می‌شوم اعتیاد با زندگی‌ام چه کرد و چطور مرا وادار به قتل مادرم کرد. مادرم را دوست داشتم و دوستش دارم، اما الان کاری از دستم ساخته نیست.

**عرشیاان که فهمیدی برادرانت تو را بخشیدند، چه حسی داری؟**

واقعیتش خوشحالم از اینکه از طناب دار نجات پیدا کرده‌ام و نمی‌دانم با چه زبانی از برادرانم تشکر کنم، اما وقتی به یاد لحظه حادثه می‌افتم، از ته دل ناراحتم چون مادرم را دوست داشتم و الان هم دوستش دارم. اعتیاد مرا قاتل مادرم کرد و ای کاش معتاد نبودم و الان مادرم کنارم بود.

**چه شد که معتاد شدی؟**

موضوع اعتیادم برمی‌گردد به دوران جوانی‌ام. ۲۰ سال قبل عاشق دختری در محله‌مان شدم و قرار بود با هم ازدواج کنیم، اما خانواده‌هایمان مخالفت کردند و در نهایت هم ازدواج ما سرنگرفت. خیلی ناراحت بودم و از آن زمان به بعد با دوستان ناباب رفت و آمد کردم و کم‌کم در مهمانی‌های شبانه با مواد مخدر آشنا شدم. فکر می‌کردم مواد و غصام

**غلامرضا مسکنی**

یکی از اعضای باند سرقت زنبورهای سرخ که متهم است مادرش را با چرخ خیاطی به قتل رسانده است، با رضایت خانواده‌اش از قصاص فاصله گرفت.

روز پنج‌شنبه، چهارم اسفند ماه سال قبل قاضی محمد مهدی براعه، بازپرس ویژه سرقت دادسرای امور جنایی تهران با تماس تلفنی مأموران کلانتری ۱۰۸ نواب از قتل زن سالخورده‌ای در خانه‌اش با خبر و همراه تیمی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی راهی محل شد.

تیم جنایی داخل پذیرایی آپارتمان مسکونی با جسد خونین زن ۷۱ ساله‌ای به نام صفورا روبه‌رو شدند که حکایت از آن داشت پسر ۴۲ ساله‌اش به نام عرشیا چرخ خیاطی را به سر مادرش کوبیده و او را به قتل رسانده است.

**خودکشی ناکام**

مأموران پلیس دریافتند لحظاتی قبل همسایه‌ها متوجه صدای هولناکی می‌شوند و از خانه‌های خود بیرون می‌آیند و می‌بینند پسر همسایه به نام عرشیا از بالکن خانه‌شان به پایین سقوط کرده و بیهوش شده است. سپس همسایه‌ها کنجاوی می‌شوند و به خانه مادر عرشیا می‌روند و با جسد خونین او روبه‌رو می‌شوند و موضوع را به اورژانس و پلیس خبر می‌دهند.

مأموران پلیس در ادامه از پسر دیگر مقتول که در خانه حضور داشت، تحقیق کردند.

وی گفت: «برادرم عرشیا معتاد به شیشه است و لحظاتی قبل با مادرم درگیر شد و چرخ خیاطی را به سر مادرم کوبید. او وقتی دید مادرم خونین روی زمین افتاده از بالکن خانه خودش را به پایین پرت کرد و عوامل اورژانس هم او را با آمبولانس به بیمارستان منتقل کردند.»

بدین ترتیب همزمان با انتقال جسد به پزشکی قانونی، مأموران به بیمارستان رفتند و متوجه شدند قاتل پس از اقدام به خودکشی به کما رفته و تحت درمان قرار دارد. در حالی که چند روزی از حادثه گذشته بود، متهم با تلاش پزشکان از مرگ نجات پیدا کرد و در بازجویی‌ها با اظهار پشیمانی به قتل مادرش اعتراف کرد.

وی گفت: «من معتاد به شیشه هستم و هر زمانی مواد مصرف می‌کنم، توهم می‌گیرم. مدتی است به خاطر مصرف مواد با مادرم اختلاف دارم تا اینکه روز حادثه در توهم شیشه با او سر مادرم برخورد کردم.»

**بخشش**

متهم صبح دیروز در حالی برای آخرین دفاع در شعبه سوم بازپرسی دادسرای امور جنایی تهران حاضر شده بود که مدتی قبل چهار برادرش به عنوان اولیای دم به دادسرا آمده و قاتل را بخشیده بودند، بنابراین متهم پس از صدور کیفرخواستش به زودی از جنبه عمومی جرم در دادگاه کیفری یک استان تهران محاکمه می‌شود.

**شرم از مرگ مادر**

روی صندلی نشست و سرش را پایین انداخته است و در گفت‌وگو با خبرنگار ما می‌گوید: حالا که از طناب دار نجات پیدا کرده‌ام، خوشحالم، اما وقتی به یاد قاتل مادرم می‌افتم، شرم

## سارق دو چرخه به دام افتاد



مأموران پلیس تهران، سارق حرفه‌ای را که بیش از ۳۰ دوچرخه سرقت کرده بود در آخرین سرقت به دام انداختند.

به گزارش جوان، سرهنگار دشیر نادری، سرکلانتر چهارم پلیس پیشگیری پایتخت با اعلام این خبر گفت: با وقوع چند فقره سرقت دوچرخه و اموال باارزش از انباری‌های اماکن خصوصی، بررسی موضوع در دستور کار مأموران کلانتری ۱۲۰ حیدرخندان قرار گرفت و مأموران با حضور در محل‌های سرقت موفق شدند مشخصات ظاهری سارق را به دست بیاورند. وی افزود: تحقیقات اولیه نشان داد متهم در تاریکی هوا با پرسه‌زنی در خیابان‌های خلوت، سوزدهای خود را انتخاب و اموال موجود در پارکینگ و انبارهای ساختمان به‌ویژه دوچرخه را سرقت می‌کند. بدین ترتیب مأموران برای دستگیری متهم اقدام به گشت‌زنی‌های هدفمند کردند تا اینکه شامگاه شنبه ۲۵ شهریورماه مأموران کلانتری به مردی مشکوک شدند که سوار بر دوچرخه بود. مأموران برای بررسی موضوع به او نزدیک شدند و دستور ایست دادند، اما متهم به محض دیدن گشت پلیس، دوچرخه را راه می‌کند و به سرعت از محل می‌گریزد.

وی ادامه داد: در چنین شرایطی مأموران وی را تعقیب و پس از طی مسافتی سارق را بازداشت و به اداره پلیس منتقل می‌کنند. متهم پس از انتقال به کلانتری به ۳۰ فقره سرقت اعتراف می‌کند. همزمان با تحقیق از متهم، مأموران در تلاشند مالباخته‌ها را برای طرح شکایت شناسایی کنند.



## مرگ ۳ عضو یک خانواده در واژگونی پژو

حادثه واژگونی پژو در یکی از جاده‌های شهر دامغان در استان سمنان، مرگ سه عضو یک خانواده را در پی داشت. مدیر اورژانس پیش‌بیمارستانی و حوادث و فوریت‌های پزشکی علوم پزشکی استان سمنان درباره این حادثه با اعلام وقوع این حادثه، دو دستگاه آمبولانس در سانحه واژگونی یک دستگاه پژو در حوالی دامغان، سرنشین خودرو شامل پدر، مادر و فرزند حدود ۱۲ ساله آنها در دم جان باختند و کودک ۵ ساله این خانواده نیز با بالگرد به بیمارستان کوثر سمنان منتقل شد. دکتر پژمان قزائیان افزود: با اعلام وقوع این حادثه، دو دستگاه آمبولانس و بالگرد اورژانس هوایی حوالی ساعت ۱۵ به محل حادثه اعزام شدند و کودک حدود ۵ ساله این خانواده را که زخمی شده بود با بالگرد به بیمارستان کوثر سمنان منتقل کردند.



## ۱۴ کشته در سقوط هواپیما در برزیل

۱۲ سرنشین و دو خدمه هواپیمایی در برزیل پس از سقوط جان خود را از دست دادند.

گفته می‌شود همه مسافران، دوستان فرد اجاره‌کننده بودند که از سایر نقاط برزیل برای ماهیگیری به ماتائوس می‌رفتند. این هواپیمای ملخی کوچک در حال اتمام پایان سفر ۴۰۰ کیلومتری خود بین «ماتائوس»، مرکز ایالت «مازوناس» و شهر جنگلی دورافتاده «بارسلوس» بود که به علت آب و هوای نامناسب این سانحه برایش اتفاق افتاد.

«ویمنسیوس المیدا»، وزیر امنیت ایالت آمازوناس گفت: اطلاعات اولیه حاکی از آن است که هواپیما هنگام فرود در بارسلوس به علت دید کم خلبان و باران شدید از باند خارج شد و این حادثه برایش رخ داد. بارسلوس یک مقصد گردشگری محبوب برای ماهیگیران است که در نزدیکی چندین پارک ملی قرار دارد.



## اعتراف مرد شیشه‌ای به قتل دوستش

دور کردنش بیچاند است. مأموران در بررسی‌های میدانی به رد پای یکی از دوستان مقتول به نام وحید در این حادثه رسیدند و وی را تحت تعقیب قرار دادند.

مأموران پلیس دریافتند وحید و مقتول از مدتی قبل با هم اختلاف مالی و چند باری با هم درگیری داشتند. سردار کارآگاه علی ویلیور گودرزی، رئیس پلیس آگاهی پایتخت با اعلام خبر دستگیری عامل قتل گفت: «تحقیقات ادامه داشت تا اینکه با اقدامات اطلاعاتی گسترده مخفیگاه متهم در جنوب تهران ردیابی شد که کارآگاهان با دستور قضایی وی را در یک عملیات غافلگیرانه بازداشت کردند. همچنین گواهی سرقت‌شده مقتول در بازرسی از خانه متهم کشف شد.

**مرد شیشه‌ای که متهم است هفت ماه قبل یکی از دوستانش را به قتل رسانده، به قتل اعتراف کرد.**

به گزارش «جوان»، ساعت ۱۲ ظهر پنج‌شنبه هجدهم اسفند ماه سال گذشته به مأموران پلیس تهران خبر رسید مرد جوانی در خانه‌اش به قتل رسیده است. با اعلام این خبر، تیمی از مأموران راهی محل شدند و در خیابان «رضایی» محله تهرانسر جسد مرد جوانی را کشف کردند.

بدین ترتیب، بازپرس جنایی هم‌راه کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی در محل تحقیقات خود را آغاز کردند. بررسی‌ها نشان مرد ۳۰ ساله ابتدا بر اثر ضرباتی به سرش به قتل رسیده و سپس قاتل بند کلاه هودی را به

**مفقودی**

برگ سبز و کارت خودرو پراید جی تی ایکس آی مدل ۱۳۸۶ رنگ سفید روغنی شماره پلاک (ایران ۴۴-۷۳۳-۹۱) به شماره موتور ۲۱۸۷۵۲۴ و شماره شاسی S۱۴۱۲۲۸۶۶۳۳۴۴۳ متعلق به علیرضا پاک روح مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

**البرز**

**مفقودی**

برگ سبیز، برگ کمپانی و کارت شناسایی خودرو سواری پژو تیپ پارس CC۱۶۰۰ مدل ۱۳۹۱ به رنگ مشکی متالیک به شماره پلاک (ایران ۱۱-۲۶۵-۲۵) و شماره موتور NAAN۵۱FA۰CK۲۲۲۸۷۶ و شماره شاسی NAAN۵۱FA۰CK۲۲۲۸۷۶ متعلق به افسانه خزانی به مالکیت سیامک نصیری افشار مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

**الفل**

**سازمان آگهی‌های روزنامه جوان تلفنی آگهی می‌پذیرد ۸۸۵۴۵۴۸۸**

**مفقودی**

برگ سبیز و برگ کمپانی خودرو پژو GLXi ۸/۱ مدل ۱۳۸۲ رنگ مشکی متالیک شماره پلاک (ایران ۷۲-۸۸۶-۲۹) به شماره موتور ۲۱۴۸۲۰۰۴۷۵۵ و شماره شاسی ۸۲۰۴۴۵۹۱ متعلق به سهراب جعفریان کفشگری مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

**البرز**

**مفقودی**

برگ سبیز خودرو پراید GL۱۳۱۵ مدل ۱۳۹۰ رنگ سفید روغنی شماره پلاک (ایران ۲۹-۱۱۵-۴۹) به شماره موتور ۴۳۸۷۸۵۰ و شماره شاسی S۱۴۱۲۲۹۰۲۲۳۶۲۷ متعلق به افسانه خزانی مفقوده شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

**البرز**

**مفقودی**

برگ سبز خودرو پراید جی تی ایکس آی مدل ۱۳۸۷ رنگ مسی متالیک شماره پلاک (ایران ۳۸-۳۸۹-۱۷) به شماره موتور ۲۳۹۴۰۲۳ و شماره شاسی S۱۴۱۲۲۸۷۷۵۲۸۷۳ متعلق به نویان جعفری مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

**البرز**